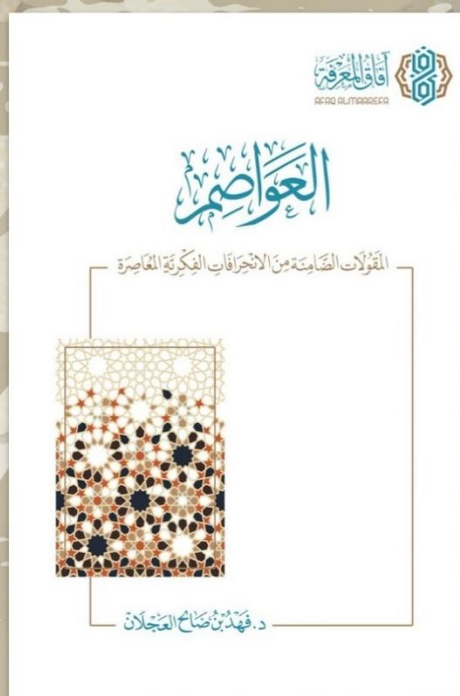


سخنان محافظ (۲۴)

از آگاهان بیرسید

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان محافظ (۲۴) از آگاهان بپرسید

یکی از مقوله‌های بزرگی که مسلمان را از انحراف از راه راست حفظ می‌کند، پایبندی و ملازمت همیشگی او به پرسش از اهل علم و آگاهان است. این هم در شناخت دقیق احکام شرعی مورد نیاز زندگی به او کمک می‌کند و هم مایه گره‌گشایی از مسائل پیچیده و دشواری است که ممکن است در فهم دین برایش پیش بیاید؛ همان‌گونه که الله متعال فرموده است: {فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ} [نحل: ۴۳] (پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید).

امام طبری در تفسیر مقصود از اهل ذکر در اینجا، دو دیدگاه علما را ذکر کرده است:

دیدگاه اول: منظور پرسش از اهل کتاب دربارهٔ پیامبر ﷺ است و اینکه ایشان بشری از جنس پیامبران پیش از خود است.

دیدگاه دوم: منظور پرسش از اهل قرآن است.^۱

ظاهر آیه بر معنای اول دلالت دارد، زیرا در سیاق سخن دربارهٔ کافران است؛ اما اهل علم بر استدلال به این آیه برای مشروعیت پرسش از اهل علم دربارهٔ احکام شرع اتفاق نظر دارند و اینکه فرد مُستَفْتی (فتواخواه) باید در مورد هر آن چه از احکام دین بر او پوشیده مانده و یا دربارهٔ جزئیات مسائل شرعی که به آن‌ها نیاز دارد، از عالم بپرسد.^۲

^۱ نگاه کنید به: تفسیر الطبری (۱۴/ ۲۲۶-۲۲۸).

^۲ برای نمونه نگاه کنید به: معالم السنن خطابی (۳/ ۲۶۳)، الفصول فی الاصول جصاص (۴/ ۲۸۱)، المنهاج فی شعب الایمان حلیمی (۲/ ۲۰۱)، المحلی ابن حزم (۱/ ۸۵)، شرح صحیح البخاری ابن بطلال (۱۰/ ۳۴۱)، الفقیه و المتفقہ خطیب بغدادی (۱/ ۶۹)، الحاوی الکبیر ماوردی (۱۶/ ۵۲)، البیان و التحصیل ابن رشد (۲/ ۳۶)، شرح نووی بر صحیح مسلم (۱۵/ ۱۱۱).

دلیلش این است که معنای آیه، این نوع پرسش را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین استدلال به آن برای این مورد صحیح است، هرچند آیه مشخصاً به این خاطر نازل نشده باشد؛ چون این مورد نیز در معنای آیه داخل است. این آیه کسی را که چیزی از دینش نمی‌داند راهنمایی می‌کند تا از کسی که به آن داناتر است بپرسد. بلکه استدلال به این آیه برای دایره‌ای وسیع‌تر از این هم درست است؛ یعنی می‌توان با آن بر لزوم پرسش درباره هر آنچه انسان به دانستنش نیاز دارد، استدلال کرد.^۱

پرسیدن از اهل علم، نوعی آسان‌گیری بر این امت است؛ زیرا بسیاری از احکام شرعی مربوط به جزئیات احکام عبادات یا معاملات، بر بیشتر مردم پوشیده

^۱ از جمله آن، مطلبی است که در شرح السیر الکبیر (۴ / ۱۴۳۷) آمده است: «اگر مسلمانان در صومعه‌ای، راهبی حبشی را ببینند در حالی که آن قوم رومی هستند و کار او را ناپسند بدانند، باید از او درباره وضعیتش بپرسند؛ چراکه وضعیت او بر آنان مشتبه شده است و راه برطرف کردن شبهه، پرسیدن است. خداوند متعال می‌فرماید: {فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ} [النحل: ۴۳] (پس اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر (دانایان) بپرسید). سپس فایده پرسش، پذیرفتن توضیحات شخص مورد پرسش است، در صورتی که در سخنش نشانه‌ای از تهمت و خیانت نباشد.»

است. از این رو برای آنان کافی است که از میان اهل علم، از کسی که به دانش و دین‌داری‌اش اعتماد دارند بپرسند و در آن مسئله از او پیروی کنند. خداوند آنان را مکلف نکرده است که در این مسائل جست‌وجو کنند، در دلایل بنگرند، میان اقوال مقایسه کنند و در موارد اختلاف، نظر برتر را برگزینند؛ زیرا این کار مایهٔ رنج و دشواری است و تکلیفی فراتر از توان به شمار می‌رود.

به دلیل آنکه احکام شرع بر دو نوعند:

نوع اول: احکام آشکاری که بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست. دربارهٔ این احکام از اهل علم پرسش نمی‌شود؛ زیرا هر مسلمانی آن‌ها را می‌شناسد، چرا که آگاهی از آن‌ها روشن است و او ملزم به عمل به آن‌هاست؛ مانند واجب بودن نماز، زکات، روزه و حج، یا حرام بودن کارهای زشت و شراب و مانند آن.

نوع دوم: احکام تفصیلی در معاملات، عبادات، ازدواج، میراث و غیره. این موارد بر بسیاری از مردم پوشیده است؛ بنابراین برایشان کافی است که در این زمینه از کسانی که به آنان اعتماد دارند تقلید کنند. آنان در این کار

معذورند، به شرط آنکه تلاش لازم برای پرسش کردن را انجام داده و در آن صادق باشند.

و چون این حوزه به جنبه مهمی، یعنی بیان احکام شرعی برای مردم و پذیرش آن از سوی آنان مربوط است، این امر شروطی دارد که به سه رکن اصلی بیان حکم شرعی وابسته است:

مفتی.

مُستفتی (پرسش‌گر).

و مسئله‌ای که درباره آن پرسش می‌شود.

رکن اول: اما درباره مفتی، کسی که از او پرسش می‌شود باید ویژگی‌های بسیاری داشته باشد که او را شایسته مقام فتوا کند؛ این شروط را می‌توان در سه محور خلاصه کرد که با وجود آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود که فتوا هدف اصلی خود، یعنی آشکار کردن حق برای خلق را برآورده می‌کند؛ این محورها عبارتند از:

اول: اطمینان به دین او؛ به این صورت که مفتی باید مسلمان باشد، چراکه به کافر نمی‌توان اعتماد کرد. همچنین باید عادل باشد تا سخن حق بگوید، خیرخواه مردم باشد و از عوامل جسارتِ حرام درفتوا دادن دوری کند. او باید صادق و مخلص باشد تا اسباب توفیق الهی برایش فراهم شود.

دوم: اطمینان به دانش او؛ به این معنا که به احکام و ادله شرعی تسلط داشته باشد تا بتواند به حقیقت دست یابد.

سوم: اطمینان به عقل، اندیشه و شخصیت او؛ یعنی باید هوشیار و از ذهنی سالم برخوردار باشد تا بتواند احکام شرعی را به صورت درست درک کند و دارای مروت و جوانمردی باشد تا شایستگی دستیابی به افتخار این جایگاه را داشته باشد.

همراه با رعایت وضعیت روحی و جسمی که ممکن است مفتی را از رسیدن به حقیقت بازدارد؛ بنابراین نباید در حال خشم، گرسنگی یا هنگامی که قلبش به هر دلیلی مشغول و پریشان است، فتوا دهد.^۱

فتوا دادن سخن گفتن از سوی خداست، پس کار آسانی نیست. از جمله توصیه‌هایی به مفتیان که دل‌ها از آن می‌لرزد، سخنی است که ربیعہ بن عبدالرحمن حکایت کرده و گفته است: «ابن خلدہ به من گفت: ای ربیعہ، می‌بینم که مردم دورت را گرفته‌اند؛ پس هرگاه کسی از تو دربارهٔ مسئله‌ای پرسید، تمام همت این نباشد که او را خلاص کنی، بلکه باید همت این باشد که خودت را [از مسئولیت الهی] خلاص کنی».^۲

^۱ نگاه کنید به: صفة الفتوی والمفتی والمستفتی ابن حمدان (۱۴۷)، أدب المفتی والمستفتی ابن صلاح (۸۵-۸۷)، آداب الفتوی والمفتی والمستفتی نووی (۱۹).

^۲ ابوزرعہ دمشقی در تاریخ خود (۴۲۷)، یعقوب بن سفیان در المعرفة والتاریخ (۱/ ۵۵۶)، ابن بطه در ابطال الحیل (۸۵) و ابونعیم اصفهانی در الحلیة (۳/ ۲۶۱) آن را آورده‌اند.

رکن دوم: مُستَفْتی (پرسش‌گر)؛ او به دنبال خواست خداوند متعال است، پس باید این معنا را در پرسش و عمل خود حاضر داشته باشد؛ به این صورت که هدفش از پرسش، جست‌وجوی حق باشد و به دنبال رخصت‌ها (آسان‌گیری‌ها) نرود. یعنی این‌گونه نباشد که در همه یا بیشتر مسائلش، به دنبال آسان‌ترین قول میان مفتیان بگردد، به‌طوری‌که این کار برایش به یک روش همیشگی تبدیل شود و از مفتی نپرسد تا بداند دلیل چیست، بلکه فقط بپرسد تا به کسی برسد که به جایز بودن آن فتوا می‌دهد.

برای تأکید عمیق بر این معنا، عالمان یادآور شده‌اند که اگر دلِ مُستَفْتی به فتوا آرام نگیرد و در سینه‌اش تردیدی نسبت به آن پدید آید، نباید به آن عمل کند!

^۱ نگاه کنید به: احیاء علوم الدین (۲/ ۱۰۳-۱۰۴)، اعلام الموقعین (۵/ ۱۹۲)، صفة الفتوی ابن حمدان (۵۶)، البحر المحیط (۸/ ۳۷۷). همچنین درباره حکم عمل مستفتی با وجود آرام نگرفتن دلش نگاه کنید به: طمأنينة القلب نوشته ولید الحسین، در مجله العلوم الشرعية دانشگاه قصیم، شماره دوم (۲/ ۲۱۶-۲۱۳).

این موضوع ناشی از درک ماهیت فتوا و زنده کردن مسئولیت مستفتی در آن است؛ چراکه گاهی ممکن است مُستفتی در حالِ مفتی یا در پاسخ او چیزی مشاهده کند که چنین تردیدی را برانگیزد. در این صورت، نادیده گرفتن آن و بسنده کردن به جواب مفتی کافی نیست؛ زیرا این موضوع با مسئله‌ای در دین او در ارتباط است. بلکه باید در این باره احتیاط کند و دوباره از او بپرسد تا آنچه در دل دارد برطرف شود، یا اینکه از شخص دیگری بپرسد.

رکن سوم: اما مسئله‌ای که دربارهٔ آن پرسش می‌شود؛ آن مسئله باید از مواردی باشد که اختلاف نظر در آن جایز است. اما اگر مربوط به امری باشد که اختلاف در آن روا نیست، مانند اینکه از حرام‌های قطعی باشد که اختلافی در آن‌ها شناخته نشده، یا اختلافی غیرموجه در آن‌ها وجود دارد؛ پس مفتی اجازه ندارد به این قول‌ها فتوا دهد و پرسش‌گر نیز نباید به آن‌ها عمل کند.

اینجا ممکن است گفته شود: پرسش‌گر چگونه بداند این سخن از مواردی است که اختلاف در آن جایز نیست؟

پاسخ این است: پرسش‌گر غالباً این را نمی‌داند؛ پس اگر از عالمی بپرسد و او به قولی غیرموجه فتوا دهد و او نیز پیروی کند، در صورتی که این عالم از کسانی باشد که به دین و دانش او اعتماد دارد، معذور است؛ هرچند عمل به این قول [در اصل] جایز نیست، اما او معذور به شمار می‌رود، چرا که آنچه بر او واجب بوده را انجام داده است.

البته این حالت زمانی که مردم برپایبندی به ضوابط فتوا و پرسش‌گری کوشا باشند، کمتر رخ خواهد داد. اگر پرسش تنها محدود به اهل علم باشد و آنان نیز در دین و احتیاطشان مورد اعتماد باشند، و پرسش‌گر هم هدفش رسیدن به حق باشد و به دنبال رخصت‌ها نگردد، هرگز از قولی غیرموجه پیروی نخواهد کرد؛ مگر اینکه در نهایت از کسی بشنود که درباره این نظر و ناسازگاری‌اش با شرع و بی‌اعتباری آن هشدار می‌دهد. همین موضوع او را وامی‌دارد تا برای اطمینان بیشتر جست‌وجو کند تا در تنگنا و دشواری نیفتد.

* * *

آثار این مقوله:

این سخن یکی از عوامل ضمانت کننده عمیق در بحبوحه شبهات فکری معاصر است، و از پیامدهای آن عبارت است از:

- اهمیت پرسش از فرد مورد اعتماد:

این سخن، لزوم پرسش از افراد مورد اعتماد در میان اهل علم و دین را تقویت می‌کند. اما پیروی از کسانی که انسان از شایستگی‌شان آگاهی ندارد یا جزو اهل علم نیستند، جایز نیست؛ زیرا سخن گفتنِ نادان درباره شریعت، از منکراتی است که سکوت در برابر آن روا نیست، چه رسد به اینکه در آن موضوع از او پیروی شود.

یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های ناپسند در عصر ما که باعث انحرافات و گمراهی‌های بسیاری شده، سهل‌انگاری بسیاری از مردم در پذیرش سخنان دینی است؛ آن هم بدون شناخت وضعیت گوینده و حقیقت دانش و تقوای او. به طوری که احکام را از هر گوینده‌ای در هر شبکه رسانه‌ای، یا کلیپی در

«یوتیوب»، یا تکه‌نوشته‌هایی در موبایل و پست‌هایی در شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند؛ سپس به آن‌ها عمل کرده و بر همان اساس مجادله می‌کنند. چقدر آسان است که بعد از آن، نظرات شاذ و نادرست رواج یابد، محک‌های شرعی دگرگون شود و مفاهیم برای مردم مُشتَبَه گردد.

همین بی‌توجهی بسیاری از مردم در پذیرش فتوا از هر کسی، باعث شده بسیاری از نادانان و منحرفان در سخن گفتن دربارهٔ دین خدا گستاخ شوند. تأثیرگذاری بر دین مردم برای آنان آسان شده است، چراکه بسیاری از مردم سخن دربارهٔ دین را از هر کسی می‌پذیرند؛ و این ناشی از آن است که جایگاه این موضوع را آن‌گونه که شایسته است قدر نمی‌دانند. اگر مردم شأن فتوا را به درستی بزرگ می‌داشتند و به یاد می‌آوردند که این کار سخن گفتن دربارهٔ دین خداست، سخن هر کسی را نمی‌پذیرفتند؛ امری که بازار مفتیان نادان را تعطیل و منابعشان را خشک می‌کرد. در این صورت، هیچ‌کس جز فرد مورد اعتماد و امینی که مردم برتری و دانش او را شناخته‌اند و امرش بر همگان آشکار شده است، جرئت ورود به این حوزه را پیدا نمی‌کرد.

بزرگداشت سخن گفتن دربارهٔ دین خدا:

همان‌طور که ابن‌سیرین گفته است: «این علم، دین است؛ پس بنگرید که دین خود را از چه کسی می‌گیرید».^۱ سخن گفتن دربارهٔ دین خدا موضوع بزرگی است؛ چه فتوا دادن در مسائل آن باشد، چه آموزش احکامش، چه تبیین مباحثی که نیاز به روشنگری دارند و چه پاسخ‌گویی به اعتراضات وارده. پس واجب است که این‌ها تنها از اهل آن گرفته شود؛ یعنی کسانی که به دانش‌طلبی، خوش‌نامی و فضل فراوان شناخته شده‌اند.

این موضوع بر ضرورت احتیاط هنگام سخن گفتن تأکید می‌کند، حتی برای کسانی که صلاحیت این کار را دارند؛ چه رسد به کسی که شایستگی لازم را ندارد. از پدیده‌های زشت زمانهٔ ما، زیاده‌گویی دربارهٔ احکام شرعی بدون آگاهی است؛ بلکه صرفاً بر پایهٔ گمان، حدس‌های واهی و احساسات و عواطف صورت می‌گیرد.

^۱ ابن‌سعد در الطبقات الکبری (۹/ ۱۹۳)، ابن‌ابی‌شیبہ در المصنف (۵/ ۳۳۴) و مسلم در مقدمهٔ صحیح (۱/ ۱۴) آن را روایت کرده‌اند.

- رجوع به اهل علم هنگام بروز شبهات:

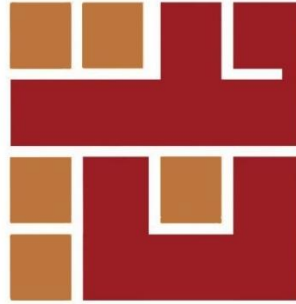
هرگاه برای یک مسلمان شبهه‌ای پیش بیاید که بخواهد آن را برطرف کند - مانند اینکه معنای آیه یا حدیثی برایش دشوار شود، یا در میان متون شرعی تعارضی ببیند، یا بخواهد حکمت برخی احکام شرعی را بداند - واجب است به دنبال کسی بگردد که به پرسش‌هایش پاسخ دهد و اشکالاتش را برطرف کند؛ زیرا این کار اثر این شبهات را از او دور می‌سازد.

کسی که بداند دانش را باید از اهلش گرفت و وظیفه اصلی‌اش پرسش از اهل ذکر است، می‌فهمد که باید به دنبال متخصصانی از اهل علم بگردد که به دین و دانششان اطمینان دارد. سپس از آنان بپرسد، آنچه را در دل دارد مطرح کند و با آنان به گفتگو بنشیند تا آنچه در ذهنش مانده برطرف شود. اگر این روش طی می‌شد، بیشتر این شبهات از میان می‌رفت.

یکی از راه‌های نادرست این است که برخی مردم هنگام برطرف کردن شبهات، قدرت تشخیص ندارند و درباره آن‌ها از هر کسی می‌پرسند و چه بسا آن شبهه

را برای بحث و تبادل نظر در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنند؛ در نتیجه پاسخ‌های مختلف در ذهنشان با هم قاطی می‌شود و سرگردانی‌شان بیشتر می‌گردد. این وضعیت لزوماً به سبب اصل وجود شبهه نیست، بلکه به دلیل روش اشتباه آنان در جستجوی پاسخ شبهات از کسانی است که دانشی در آن باره ندارند.

سخنان محافظ | از آگاهان بپرسید |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies